

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مطلب چهارم - آیا عدم وجوب اجتناب مختص به شبهات تحریمیه است یا در شبهات وجوبیه نیز جریان دارد؟

بحث در این بود که آیا عدم وجوب احتیاط اختصاص به شبهات غیرمحصوره تحریمیه دارد یا در شبهات وجوبیه هم جریان دارد؟ عرض کردیم که در این بحث نیز باید مسالك و مباني را لحاظ کنیم.

شیخ اعظم انصاری (قدس سره) می گوید ملاک در شبهه غیرمحصوره ضعف در احتمال تکلیف است به طوری که عقلاً به آن اعتنا نمی کنند. اگر ما این را ملاک قرار دادیم، فرقی بین شبهه وجوبیه و تحریمیه نیست. اگر گفتیم یکی از این صد عمل را اجمالاً می دانیم واجب است اینجا فرقی بین شبهه وجوبیه و تحریمیه نیست، احتمال تکلیف در آن ضعیف شده و قابل اعتنا نیست. همچنین روی آن مبنايي که ملاک در شبهه غیرمحصوره عدم وجود مناقضه بین این معلوم بالاجمال و بین ترخیص شارع است که مرحوم شهید صدر اختیار فرمودند. روی این مبنا هم باز مناقضه ای نیست. اینجايي که علم اجمالی داریم یکی از این صد عمل واجب است اینجا هم مناقضه ای وجود ندارد که شارع بیايد ترخیص بدهد. مثلاً اگر کسی نذر کرده یکی از روزهای ایّام سال را روزه بگیرد اما نمی داند چه روزی است و از کدام ماه است؟ این برایش مشخص نیست. آن وقت وجوب وفای به نذر برای او در هر روزی بسیار ضعیف است و لازم نیست که انجام بدهد در صورتی که نذر کرده باشد يك روز معین از ایّام سال را روزه بگیرد، اما اگر مطلق باشد که باید يك روزی را روزه بگیرد، ولي اگر نذر کرده يك روز معین را، اما نمی داند آن روز معین چه روزی است؟ اینجا احتمال تکلیف ضعیف است و همچنین اگر بگوئیم شارع اینجا ترخیص در ارتکاب می دهد مناقضه ای وجود ندارد.

مرحوم میرزای نائینی ملاک در شبهه غیر محصوره را عدم القدرة علي المخالفة القطعیّه قرار داد. در شبهات وجوبیه قدرت بر مخالفت قطعیه هست، این کسی که نذر کرده يك روز معین را از ایّام سال روزه بگیرد، اگر هیچ روزی را روزه نگیرد مخالفت قطعیه کرده، امکان و قدرت بر مخالفت قطعیه هست و لذا اگر در ذهن شریفتان باشد وقتی ضابطه ای که مرحوم نائینی برای شبهه غیرمحصوره ذکر می کردند بیان می شد، آنجا مرحوم آقای خوئی اشکال کردند این ضابطه فقط به درد شبهات تحریمیه می خورد. ما همان جا گفتیم شاید مرحوم نائینی مُرادش این باشد که در شبهات تحریمیه قدرت بر مخالفت قطعیه نباشد و در شبهات وجوبیه هم عادتاً قدرت بر موافقت قطعیه نباشد و روی این حساب هم در شبهات تحریمیه این ضابطه جریان دارد و هم در شبهات وجوبیه. الآن هم بگوئیم روی مبناي نائینی کسی که می گوید من نذر کردم يك روز معین از ایّام سال را روزه بگیرم اما نمی داند کدام روز است! لازم نیست که به او بگوئیم احتیاط کن و تمام 365 روز را به استثنای روزهای حرام و واجب باید روزه بگیري، چراکه عادتاً قدرت بر این کار وجود ندارد، ولو اینکه برخی افراد هستند که دائم الصوم اند، اما عادتاً کسی نمی تواند این کار را انجام بدهد و از تمکّن عادی خارج است. لذا قدرت بر موافقت قطعیه عادتاً وجود ندارد، اینجا هم احتیاط لازم نیست.

مرحوم آقای صدر قدس سره در کتاب بحوث اظهار می دارد که بنا بر مبنای مرحوم نائینی ، شبهه وجوبیه از قبیل اضطراب إلی ترك بعض الأطراف لا بعینه است، یعنی نسبت به بعضی از اطراف مضطرّ به ترك می شوی، اما افراد غیر معین آن وقت داخل در بحث اضطراب می شود، برخی بین اضطراب به معین و غیر معین فرق می گذاشتند، ولی ما گفتیم هیچ فرقی نمی کند که اضطراب به معین باشد یا غیرمعین ، بعد العلم الإجمالي و قبل العلم الإجمالي اصلاً به طور کلی منجزیت را ساقط می کند. اما حالا بحث اینجا در صغری است، آیا در شبهه وجوبیه چون مکلف قدرت عادی بر همه اطراف ندارد اینجا می توانیم بگوئیم از موارد اضطراب إلی ترك بعض الأطراف لا بعینه هست ، که مرحوم آقای صدر این فرض را، یعنی اصلاً فرض شبهات وجوبیه را در شبهه ی غیر محصوره از مصادیق اضطراب إلی ترك بعض الأطراف لا بعینه قرار دادند. عرض کردیم ما بحث کبروی اش را کار نداریم، در کبرا هر کسی مبنای خودش را دارد، آیا اضطراب علم اجمالي و منجزیت او را از بین می برد یا نه؟ جای خودش. ولی اساساً الان کسی نذر کرده يك روز معین از سال را روزه بگیرد، نذر کرده چنین عملی را، عادتاً قدرت بر اینکه همه ایام را روزه بگیرد ندارد. پس می توان گفت اضطراب به ترك بعضی از اطراف پیدا می کند ، به نظر ما این درست نیست، عدم القدرة علي الفعل يك عنوان است و اضطراب بر ترك عنوان دیگری است. عرف نمی گوید الآن مضطرّ إلی ترك بعض الأطراف است. بالاتر از اضطراب است، این قدرت بر انجامش ندارد، مثل اینکه الآن فرض کنید من قدرت ندارم يك وزنه ای را بردارم، برداشتن این وزنه را ترك می كنم، اینجا عرف نمی گوید این اضطراب به ترك پیدا کرد، اضطراب در فرضی است که آن طرفش هم امکان داشته باشد، اما جایی که کسی قدرت ندارد اصلاً تعبیر به اضطراب و اضطراب به ترك، تعبیر درستی نیست!

بنابراین اینکه مرحوم آقای صدر این را از نظر صغروی داخل در بحث اضطراب کردند به نظر ما ناتمام است، روی مبنای نائینی مسئله خیلی روشن است، می گوئیم ایشان در شبهات تحریمیه ملاکش عدم القدرة علي المخالفة القطعیة است، در شبهات وجوبیه عدم القدرة، یعنی کثرت اطراف به حدی است که عادتاً قدرت بر موافقت قطعیه ندارد. يك وقتی می گوید نذر کردم يك روز از ایام این هفته را روزه بگیرم، همه اش را بگیرد، چون عادتاً قدرت دارد، ولی وقتی می گوید يك روز از سال، این عادتاً قدرت ندارد و وقتی قدرت نداشت دیگر این علم اجمالي از تأثیر ساقط می شود. اگر ما دلیل وجوب اجتناب را اجماع قرار دادیم، ظاهراً اجماع فرقی بین شبهه تحریمیه و وجوبیه نمی کند، همانطوری که در شبهات تحریمیه اجماع قائم بر عدم وجوب احتیاط است، در شبهات وجوبیه هم همین اجماع قائم است و روی مبنای لاجرح هم عین همان بحثی که در جلسه گذشته گفتیم، دیگر نیازی به تکرار ندارد.

بحثی پیرامون قاعده عدل و انصاف :

دیروز عرض کردیم اگر من علم اجمالي دارم به اینکه يك درهم به یکی از این هزار نفر طلبه بدهکارم، آیا می توان گفت این از موارد شبهه غیر محصوره است یا خیر ؟ بگوئیم شبهه غیر محصوره است چون احتمال تکلیف در هر طرفی ضعیف است، لذا اصلاً لازم نیست که ما این را بپردازیم. دیروز بیان کردیم يك وقتی هست که ما قاعده ی عدل و انصاف را قبول می کنیم، قاعده عدل و انصاف را اگر بپذیریم مقتضایش این است که این پول را بین این هزار نفر تقسیم کنیم، اما در سال گذشته در بحث فقه بحث کردیم گفتیم قاعده عدل و انصاف اساسی ندارد، مرحوم والد ما رضوان الله علیه در موسوعه تفصیل الشریعه که انصافاً زحمات زیادی را بر این کتاب کشیدند و من یادم هست که از آن زمانی که ایشان در یزد تبعید بود (سال 51 - 52) شرح کتاب تحریر الوسیله ی امام را شروع کردند، چند جلدش را در همان یزد، قبل از پیروزی انقلاب نوشتند و هیچ کس هم نمی دانست که ایشان چکار می کند؟

از چیزهای خیلی عجیبی بود، کتابخانه ی مرحوم آقای وزیری قدس سره که خدمات فراوانی را این روحانی بزرگوار به یزد کرد،

کتابخانه خیلی بزرگ و خوبی در آنجا دارد؛ مرحوم وزیري يك اتاقي را در اختیار ایشان قرار داده بود، با اینکه آن وقت کتابخانه‌شان کوچک بود و بعداً توسعه پیدا کرد، این اتاق در اختیار ایشان بود، يك ميزي بود مملو از کتاب که ایشان هر روز مثل يك شخص اداري (منظم) رأس ساعت 8 وارد اتاق می‌شدند و پنج شش دقیقه قبل از اذان ظهر بیرون می‌آمدند، این کتاب را نوشتند و زحمات زیادی هم بر این کتاب کشیدند. من یادم هست بعد از پیروزي انقلاب يك وقتی يك مسئوليتي را به ایشان پیشنهاد کرده بودند و اصرار داشتند، ایشان رفتند خدمت امام و به ایشان عرض کردند من اگر بخواهم این مسئولیت را بپذیرم شرح کتاب شما متوقف می‌شود و اگر می‌خواهید کتاب شما را ما شرح کنیم پس اجازه بدهید این مسئولیت را دیگری بپذیرد، امام فرموده بودند نه! شما این شرح را ادامه بدهید. روی همان دقت و فراستی که برای حفظ فقه و حوزه داشتند این نظر را دادند.

علي ايّ حال روی این کتاب موسوعه خیلی زحمت کشیده شد، البته يك بخشش را ایشان تدریس کرده و نوشته که مفصل‌تر است، دوره‌ي کتاب الحج تفصيل الشريعه پنج جلد است که در حدود نه سال طول کشید و الآن هم به اعتراف اعظم قم، نجف و مشهد که با همه‌شان ارتباط دارم، قوی‌ترین کتابي که در حج موجود است همین کتاب است. حتي بعضي از شاگردهاي طراز اول مرحوم آقای خوئي و مرحوم آقای صدر و مرحوم آقای شاهرودي که خودشان بزرگ شده‌ي نجف هستند به من فرمودند که در حج کتابي به این قوّت و به این جامعیت تا به حال ندیدیم.

این خاطره را هم بگویم چون آموزنده است برای راهي که داریم طی می‌کنیم که لعلّ به گوشه‌اي از آن مراتبي که آنها رسیدند ان شاء الله برسیم؛ يکي از اساتید بزرگوار حوزه و از دوستان ما نقل می‌کرد که من ایشان را بعد از ارتحال در عالم رؤيا دیدم و عرض کردم اگر شما به دنیا برگردید چکار می‌کنید؟ این خیلی سؤال مهمي است، خیلی سؤال عاقلانه و عالمانه‌اي است، ایشان فرموده بودند من برگردم این کتاب و شرح کتاب امام را تمام می‌کنم، يعني معلوم می‌شود در آن عالم اثرات این شرح و اجر اخروي‌اي که این شرح داشته براي ایشان مشهود و روشن شده که فرموده بود اگر برگردم شرح این کتاب را تمام می‌کنم.

این دالّ بر این است که این فقه و اصول بسیار اهميت دارد؛ ما داریم زحمت می‌کشیم که يك فرعي را و مباني اصولي يك مسئله‌اي را درست کنیم و ارکانش را روشن کنیم تا اینکه حکم خدا را به دست بیاوریم، این خیلی ارزش دارد، خیلی مهم است و در این راه هر چه ما با خلوص بیشتر، آنچه که مهم است همین مسئله اخلاص است، برای خدا فکر کنیم برای خدا مطالعه کنیم، برای خدا بگوئیم و برای خدا بنویسیم، هیچ وقت در این جهات فکر نکنیم که آیا این ما را از جهت مراتب دنيوي جلو میبرد یا نه؟ آیا در علوم حوزوي فلسفه سر و صدای بیشتری در دنیا دارد یا فقه یا تفسیر؟ اگر خدایي نکرده بیفتیم در این مسائل باطله و مسائل نفساني همه‌ي عمرمان به بطالت و خسران می‌گذرد، آن وقت است که می‌گوئیم اي کاش يك عمله یا بقالي بودیم و اصلاً دنبال این کارها نمی‌رفتیم، آن وقتی که آدم می‌بیند با این علوم چه نفسانیت عجیب و غریب و خطرناکي برای خودش درست کرده، نفسانیتي که انسان را به کجا می‌رساند؟

در همین قضیه‌ي مرتد يکي از کسانی که نامه نوشته براي من، البته غير از آن نویسنده‌اي که نامه‌اش را اقایان دیدند، از دیگر کسانی که براي من نامه نوشته بود، مجدداً يك نامه‌اي نوشته، در آن نامه‌ي قبلي‌اش نوشته این مسئله‌ي وجوب قتل مرتد مستند قرآني و روایي ندارد! حالا به اندازه‌اي که خیلی باعجله هم نوشتیم، می‌خواستم جوابي داده شود، بعد هم که في الجمله ایات و روایات در این جواب آمده، من نامه دومش را دیشب از اینترنت می‌دیدم، عرض کردم این غير از آن روحاني‌اي است که قبلاً براي من نامه نوشته، نمی‌شناسم که چه کسی هست؟ نوشته اگر هزار آیه قرآن، هزار روایت و دلیل بیاورید بر اینکه مرتد را باید کشت من قبول نمی‌کنم! این آدم به اینجا می‌رسد، وقتی آدم خدا را کنار می‌گذارد، وقتی آدم خودش را به میدان می‌آورد و

می‌گوید هر چه من فهمیدم و به عقلت رسید، هر چه من می‌گویم درست است! صریحاً همین را نوشته که اگر هزار آیه قرآن، هزار روایت هم برای من بیاورید، در حالی که در نامه قبلش نوشته که این مستند قرآنی ندارد، مستند روایی ندارد.

می‌خواهم عرض کنم که ممکن است انسان در این مسیر خدای نکرده آیات واضح را از کتاب کریم انکار کند، روایات مسلم را کنار بگذارد و به جایی برسد که بگوید آنچه که من می‌فهمم درست است نه آنچه که قرآن گفته و دین بیان می‌کند! لذا باید واقعاً خودمان را به خدا بسپاریم، با اخلاص، بزرگان ما مثل شیخ انصاری و آخوند خراسانی و این بزرگانی که امروز میراث‌دار اینها هستیم، تمامشان با اخلاص نوشتند، آخوند هیچ وقت کتابش را ننوشت به عنوان کتاب حوزه‌ها اسمش سر زبان‌ها بیفتد، به عنوان کتابی که آخرین مبانی اصولی مطرح شود این را مطرح کرده!! اینها با اخلاق در میدان علوم حوزه بودند، اصلاً علوم حوزوی یکی از ممیزاتش اخلاص، توسل و عبادت است. گاهی اوقات برای ما وسوسه نشود که به ما گفته‌اند يك ساعت فکر کردن بهتر از عبادت 70 سال است، پس ما بنشینیم فکر کنیم، نماز شب را کنار بگذاریم، نوافل را کنار بگذاریم، مستحبات را کنار بگذاریم، این کاملاً اشتباه است. ما اگر بخواهیم فرمان فکر درستی باشد نیاز به این عبادات داریم، نیاز به این توسل‌ها داریم، اگر واقعاً يك طلبه نماز شب نداشته باشد اصلاً کلید علم در دستش نیست، کلید سعادت در دستش نیست، کلید دنیا و آخرت در دستش نیست، باید اینها را داشته باشیم و الا خطر خیلی جلوی راه ما زیاد است و باید خدای تبارک و تعالی حفظ کند.

مرحوم والد ما رضوان الله علیه در این موسوعه تفصیل الشریعه‌شان در بعضی از جاها قاعده‌ی عدل و انصاف را پذیرفتند مثل باب کتاب نکاح ولی بعداً کتاب‌هایی مثل کتاب الخمس را که بعد از آن نوشتند آنجا شدیداً قاعده‌ی عدل و انصاف را انکار کردند و حق هم با ایشان است که قاعده عدل و انصاف يك دلیل روشن و واضحي ندارد

اگر کسی از شما این مسئله را پرسید چه جوابی می‌دهید؟

اساساً در باب تکالیف شرعی می‌توان با توجه به بحث شبهه غیر محصوره عمل نمود، مثل بحث نذر روزه یک روز از سال به شکلی که این روز معین نباشد، اما در آنجایی که بحث حقوق مطرح است، ادله‌ی قرعه حاکم است، یعنی اینجا نباید بگوئیم شبهه شبهه‌ی غیر محصوره است، شما می‌گویید من می‌دانم مبلغ مشخصی را به یکی از این هزار نفر بدهکارم، اینجا آنچه به نظر ما می‌رسد، این است که ادله‌ی قرعه به خوبی حاکم است و از آن باید استفاده کنیم و در امور حقوقی ادله‌ی قرعه را باید مطرح کنیم، در حقیقت ما بحث شبهه‌ی غیر محصوره و محصوره را در شبهات تکلیفیّه و آنچه که مربوط به تکالیف است مطرح می‌کنیم، اما در باب حقوق یا در باب موضوعات باید سراغ قرعه برویم. مثلاً اگر بگوئیم می‌دانیم یکی از این ده هزار نفر قاتل هستند، ادله‌ی قرعه اینجا جریان دارد ولی نمی‌توانیم بگوئیم چون شبهه غیر محصوره است رهاش کنیم! پس این هم راجع به این فرع.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين